

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۸/۱۲

احسان لمر

زنان حماسه آفرین آغاز قرن 20 کشور

وقتی از مردان سخن می گوئیم، زنان حماسه آفرین و تاریخ ساز هم در طول سده ها در کشور داشتیم و داریم چه در زمان صلح و آبادانی و چه زمان تجاوز و جنگها که صفحات زرین تاریخ را مملو ساخته بودند. از رابعه بلخی، فاطمه سام "قرن هفتم هجری"، سلطان رضیه، آمنه فدوی، بی بی حلیمه، نازو انا، زرغونه انا، زنان کابلی در جنگهای اول و دوم و سوم افغان انگلیس ملالی میوند، بی بی سنگی، ملکه ثریا، خیریه طرزی، روح افزا برادر زاده محمود طرزی، مریم دختر عبدالباقی خان سرخابی، حمیرا دختر غلام محمد خان میمنگی، آمنه الرسول مادر شایق جمال، فاطمه مادر میر عتیق الله، خدیجه طرزی، در همین ردیف بی بی مریم ملقب به (کوکو جان) خانم غلام نبی خان چرخي و امیر بیگم صبیبه میرزا عبدالغیاث خان و خانم شهید مهدی خان چنداولی (بیوه زن 25 ساله) و مهر نگار طرزی، همچنان خانمهای فامیل زمانی و همهء دیگر زندانیان دور سردار هاشم خان، و زنان خانواده محمودی، همسر غبار و برادران، همسر محمد رسول خان پشتون و مرحوم عبدالرحیمزی و دیگر مظلومین بیگناه زندانی سیاسی دهه شصت ... هم شامل میباشند.

باید یاد آور شوم که در طول قرن گذشته تا کنون ما صد ها زن تابو شکن، افتخار آفرین، حماسه ساز و مبارز در تمامی ساحات بشمول معارف - هنر و اداره داشتیم که نباید فراموش تاریخ کشور شوند. از جمله قهرمانان مبارز و سر به کف ناهید صاعد و وجیهه خالقی متعلمین قهرمان که مقابل تجاوز شوروی بایستادند و یا بی بی عایشه (قوماندان کفتر) زنی که از عمق اجتماع برای آزادی کشور سلاح گرفت، و ملالی جویا هم نام برد...

محترمه مریم چرخي

محترمه امیر بیگم

محترمه مهر نگار



د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

بی بی مریم (کوکو جان):

پس از زندانی شدن تمامی زنان و اطفال فامیل چرخ در زندان، سرای بادام، بی بی مریم خانم غلام نبی خان چرخ حماسه دیگری آفرید بدین شرح که دختران جوان صنوف رشديه مکتب مستورات و پسران بزرگتر که صنوف شش و هفت مکتب امانی را خوانده بودند وظیفه داد که تمامی خواهران و برادران کوچک تر را درس و تعلیم بدهند و خود سر پرستی مکتب زندانیان را به عهده گرفت بود. دو پسر فقید این فامیل (عبدالصمد و عبدالحمید) که شاگردان ابتدائیه امانی بودند روی زمین با سنگ ریزه و سنگچل طرز نوشتن الفبای فارسی را یاد داده بعد از ذغال چوب بروی دیوار ها حویلی جملات و اشعار را نوشته و حفظ می کردند. بلاخره بصورت بسیار سری یک نفر سقاء از هموطنان نهایت عزیز هزاره یک مقدار کاغذ سفید، قلم نی و سیاهی آورده و مخفیانه در زیر دیگ یا کوزه های آب در آشپزخانه می گذاشت. بدین گونه زمانی که این 15 طفل زندانی بعد از حدود یکنیم دهه آزاد شدند همه با سواد بوده حتی به زبان المانی هم آشنا بودند.

امیر بیگم (خانم محمد مهدی خان چنداولی):

وی در سالهای 1890 یا 95 متولد شده بود پدر شان ارزو داشت فرزندانش همه با سواد باشند. این خانم با سواد و فرزانه بعد از ازدواج با محمد مهدی خان چند اولی سرمنشی شاه امان الله خان و از مشروطه خواهان دوم، با کتاب و کتابخانه شوهر به غنای دانش شان افزود، اما متأسفانه با به قدرت رسیدن نادر خان، مهدی خان بی دلیل علت و یا جرم و خطائی و یا حکم قضائی به امر شفائی نادر خان اعدام شد. و خانم و فرزندانش تحت نظارت استخبارات وقت قرار گرفتند. این خانم قهرمان در عالم نهایت تنهائی در حالی که حتی پدر را جرئت احوال گیری دخترش نبود نمیتوانست با وی تماس بگیرد با فروش اموال خانه و عاید نهایت اندک زمینه تعلیم و تربیه فرزندانش، محمد یونس مهدوی، محمد آصف آهنگ و محمد سلیمان مهدوی را فراهم نمود.

خانم مهرنگار صدیق طرزی:

تعلیمات مروجہ نسوان در اولین دسته مکتب مستورات دوره امانیه به پایان رسانید. مرحومه یکی از پیشتازان نهضت نسوان کشور بودند. دکتور ننگیالی طرزی "دپلومات براننده کشور" می نویسد: "مادر ما با دو هم صنف خود در جرگه گردیز بعد از سرکوبی شورش ملای لنگ 1924 در حضور داشت غازی امان الله خان شرکت و به پرسش های ملا های شورشی جواب می دادند که مورد ستایش ان شاه مترقی و معارف پرور قرار گرفتند."

دخت ادیب و فرزانه شان هما صدیق طرزی می نویسد که: "شورش ملای لنگ آغاز مبارزه ای تاریخی دختران ایشان از جمله نخستین زنان مبارزی بود که نخستین مبارزه ای شان را در نو جوانی در سال (1305 خورشیدی مطابق 1924 میلادی) جهت دفاع از تحصیل و تعلیم و تربیت دختران در زمان اعلیحضرت امان الله خان با شرکت مثبت در شورش ملای لنگ در منطقه ای جنوبی آغاز نمود. این شورش که با تحریک روحانیون مزدور انگلیس دامن گیر نهضت آزادی زن شده بود، اعلیحضرت امان الله خان را عامل اجرای کفر و ضد اسلام می دانستند. و حضور این پادشاه مترقی خواه را در تعلیم و تربیت فرزندان کشور تهدید بزرگی برای رسیدن به اهداف شوم خود می دیدند.

شاه چند تن از شاگردان ممتاز مکتب دخترانه را با سرپرستی مدیره ای مکتب نسوان که مرحومه بلقیس طرزی عمه من و عده ای دیگر با خود به جنوبی برد تا ملا های مزدور انگلیس آنها را مورد امتحان و آزمایش قرار دهند تا ثابت شود که شاه جلو گیری از تعلیم دینی را نه نموده بلکه فراتر از تعلیم دینی دختران را به آموزش علوم دیگر واداشته که بسیار مفید اند. این ماجرا سر آغازی بود برای آزاد منشی مادرم و فعالیت های پی در پی ایشان در راستای آزادی زن و تشویق دخترانش در این راه. مادر مرحومه ام که در داستان نویسی و قصه پردازی مهارت خاصی داشت با زبان شیرین خودش در مورد این سفر پر ما جرا و رفتن به جرگه گردیز را چنین بیان می نمود:

د پانو شمیره: له 2 تر 4

وقتی از کابل بسوی گردیز به راه افتادیم شب را در نیمه ای راه بسر بردیم. چون سن و سال مان کم بود یکی از دختران (اسم شان را فراموش کرده ام) از ترس شب تب نمود که فردا او را به کابل بر گردانند. ولی ما به سفر خود ادامه دادیم و بلاخره به گردیز رسیدیم. منظره ای وحشتناک آن روز پر ماجرا و تاریخی را هیچ گاه نمی توانم از یاد ببرم....

وقتی به جنوبی رسیدیم، در دشت بزرگی مردان سیاه پوش در حالی که زنجیر ها را بر گردن آویخته بودند با مو های دراز و چشمان رنگ قرمز کشیده که هم چون خون می نمود در کنار هم نشسته بودند و می گفتند که اگر شاه جواب شان را ندهد خود را با زنجیر حلق آویز خواهند نمود. این منظره ای دهشت آور مو را در بدن سیخ می نمود....

در کناری تجیری بود برای شاه و همراهان شان که ما هم با آنها بودیم. در آن جا ملائی بود که از طرف این مزدوران مامور سوال و جواب از ما دختران بود. و قیافه ای او شبیه افغان های دیگر نبود و من نخست فکر کردم که خارجی است؟ وقتی نوبت به من رسید؛ چون هم در قران و علوم دینی مهارت خاصی داشتم ایستادم. او با هر دو زبان فارسی و پشتو مسلط بودم و روحیه ای نه ترسی داشتم، در برابر ملا که از من سوال می کرد و من که بیشتر قران را حفظ بودم تمامی جواب ها را با صراحت خاصی می دادم در حدی که دگر سوالی برای ملا باقی نمانده بود تا از من بپرسد. ملا سکوت کرد و من پرسیدم که آیا سوال دیگری دارید گفت خیر.

با دلیری خاصی به ملا گفتم: شما مرا بی نهایت سوال پیچ نمودید، آیا اجازه دارم سوالی از شما بکنم؟ ملا مجبور شد که جواب مثبت بدهد. من گفتم که در مکتب به ما فقط دین و قران را یاد نمی دهند بلکه تعالیم مفید دیگری هم به ما یاد می دهند. لطفاً به من بگوئید که در همین منطقه ای که ما هستیم شمال ما کجاست، جنوب ما کجاست و در شرق و غرب ما کدام مناطق قرار دارند. ملا جوابی نداشت. سری تکان داد و گفت این هم از کار های امان الله است که به دختران این چیز های بیهوده را یاد میدهد.

ناهید صاعد: ناهید صاعد دختر سید یوسف خان صاعد در سال

۱۳۳۹ شمسی (1960م) در شهر کابل زاده شد. بعد از ختم دوره تعلیمات ابتدائیه نخست شامل لیسهء "سوریا" شد و بعد تعلیمات خویش را در لیسهء "رابعه بلخی" ادامه داد تا این که در آخرین سال مکتب زمانی که شاگرد صنف دوازدهم بود به روز (۹ ثور سال ۱۳۵۹ ش - 29 اپریل 1980م) هنگام رهبری مظاهرات ضد اشغالگران روسی با هزاران زن و مرد دیگر با شعار «روسها از ملک ما بیرون شوید / ورنه غرق رود بار خون شوید» به سرکهای شهر کابل ریختند در کارته چهار کابل در سن 20 سالگی به ضرب گلوله شهید گردید. ناهید با هیچیک از سازمان های سیاسی ارتباطی نداشته مانند میلیون ها تن از هم میهنانش طرفدار آزادی و استقلال کشور خویش بود. ادعای ارتباط او با تنظیم ها یا احزاب چپ اعتبار ندارد. به مناسبت شانزدهمین سالروز درگذشت استاد عبدالرحمن پژواک، "ناهید نامه" یا "یاد



نامه شهید ناهید صاعد" سمبول مقاومت ملی جوانان و زنان افغانستان در برابر ارتش متجاوز شوروی به نشر رسیده بود.



وجیهه خالق: یکی دیگر از قهرمانان قیام دختران مکاتب کابل است در سال

۱۳۴۱ (1962 م) در کابل به دنیا آمده بود، او هم متعلمه صنف دهم لیسهء "رابعه بلخی" بود.

وی رهبری گروه دوم دختران لیسهء خود را در آن روز (9 ثور 1359) به عهده داشت در حوالی لیسهء "حبیبه" چند لحظه پیش از ناهید به عمر 18 سالگی شهادت رسید.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

عایشه مشهور به قوماندان "کفتر" : این خانم متولد سال 1962 میلادی در ولایت بغلان می باشد ، شاید یگانه زن جنگجوی قوماندان خارج از تشکیل اردوی افغانستان است هنگام تهاجم اتحاد شوروی سابق در پایان سال 1979 بر افغانستان در حالی که 30 داشت، و بر ضد متجاوزین اسلحه برداشت . "کفتر" حدود 150 مرد مسلح را در ولسوالی نهرین رهبری میکرد.



ملالی جویا متولد ۲۶ ثور ۱۳۵۷ (16 می 1978) در ولایت فراه می باشد جوانترین عضو ولسی جرگه افغانستان بود که بعداً تعلیق شد. در دسامبر ۲۰۰۳ به عنوان نماینده ولایت فراه در لویه جرگه قانون اساسی انتخاب گردید و با سخنرانی دو دقیقه ای جنجال برانگیز نه تنها در افغانستان بلکه در سرتاسر جهان به شهرت رسید. او در لویه جرگه علیه جنایت کاران جنگی سه دهه صدا بلند نموده جو ترس وحشت مقابل آدم کشان را شکست. او گفت:



"بنام خدا و بنام شهدای گلگون کفن راه آزادی وطن می خواهم چند لحظه صحبت کنم، مه انتقاد من بر تمامی وطنداران که این جا حضور دارند چرا می مانند که مشروعیت و قانونیت بودن این لویه جرگه زیر سوال برود، البته وجود او جنایت کارانی که کشور ما را به این حالت رسانیدند، متاسف هستم ، بسیار متاسف هستم به او کسی که لویه جرگه را نهاد کفر آلود و معادل فحاشی می خواند و این جا میاید و گپ او مورد قبول می شود و یا کمیته ها همه شما ببینید بین مردم چه زرمه می شود. رئیس هر کمیته پیش از پیش تعیین است چرا همه این جنایت کاران را در یک کمیته نمی برید که در آن جا ببینیم که باز ملت را به چه حالت میرسانند. این ها کسانی بودند که کشور ما را محراق جنگهای ملی و بین المللی ساختند زن ستیز ترین کسانی بودند در جامعه که می خواستند که کشور ما به این حالت رسانیدند باز میخواهند ازموده را آزمودن خطا است. اینها باید محکمه بین المللی و ملی شوند اینها را اگر مردم ما اگر ببخشند مردم پا برهنه افغان، هرگز تاریخ نمی بخشد یا ثبت تاریخ کشور ما هستند."

بعد از قیل و قال نمایندگان تنظیم ها 15 گانه یکی گفت که او بیاید معذرت بخواهد و توبه کند و ملالی بجواب صدا زد:

از آنچه گفته ام هرگز توبه نخواهم کرد"

جویا با وجود تهدید و چندین سوء قصد به جانش، بی هراس به مبارزه ادامه داد و در سپتامبر ۲۰۰۵ با بیشترین رای از ولایت فراه به پارلمان راه یافت و خواب جنایت کاران را در اینجا نیز حرام کرد تا این که بنابر افشاگری هایش از پارلمان اخراج گردید. جویا پارلمان را به «طویله» تشبیه نموده دلیل رفتنش را فقط افشاگری از درون خوانده می گفت می کوشد از این تربیون به نفع مردم مظلومش استفاده نماید ملالی جویا را معمولاً «شجاع ترین زن افغان» می خوانند. مجله «تایم» به تاریخ ۲۹ آوریل ۲۰۱۰ (۹ ثور ۱۳۸۹) ملالی را در لیست ۱۰۰ شخصیت پر نفوذ سال اعلام نمود.

یاد همه مبارزات، فداکاری ها قهرمانی ها و تابو شکنی، مادران ، زنان و دختران افغان بخصوص همه زندانیان سیاسی دوره های سیاه استبداد ها کشور ما را زنده نگهداریم تا نسل های بعد از ان درس گیرند .

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ